

کاپیتالیسم

کاپیتالیسم یک سیستم اقتصادی و علاوه بر این شکلی از دارایی شخصی است. این مفهوم چند ویژگی اساسی دارد. نخست؛ این مفهوم مبتنی بر تولید کالا و خدمات برای مبادله است. دوم؛ ثروت تولیدی در یک اقتصاد کاپیتالیستی در اختیار بخش خصوصی است. سوم؛ زندگی اقتصادی نیروهای بازار غیرشخصی سازمان یافته است. چهارم؛ در اقتصاد کاپیتالیستی منافع ماده شخصی و به حداکثر رساندن سود انگیزه مهمی را برای موسسه و کار سخت فراهم می‌کند.

در عصر مدرن حداقل می‌توان سه نوع سیستم اقتصادی کاپیتالیستی را شناسایی کرد.

۱- کاپیتالیسم شرکتی یا کاپیتالیسم بازار آزاد که مبتنی بر اعتماد به یک بازار رقابتی آزاد است. چنین کاپیتالیستی را نوعاً می‌تواند در ایالات متحده و از دهه ۱۹۸۰ در بریتانیا یافت.

۲- سوسیال کاپیتالیسم یا کاپیتالیسم راین-آلپ که در سرتاسر اروپای قاره‌ای و به ویژه آلمان مشاهده می‌شود. این نوع کاپیتالیسم مبتنی بر عقیده به یک بازار سوسیال است که، در آن تلاش می‌شود از طریق مداخله اقتصادی و اجتماعی، موازنه‌ای بین اصول رقابت آزاد در مقابل انسجام اجتماعی و یکپارچگی تضمین شده ایجاد گردد.

۳- کاپیتالیسم جمعی یا کاپیتالیسم «ببر»، که در آسیای شرقی و تا حدود زیادی در چین می‌توان یافت. مبتنی بر «بازارهای وابسته» است.

اهمیت

اشکال مختلف اقتصاد کاپیتالیستی در قرون هفدهم و هیجدهم در اروپای فئودال ظاهر گشت. کاپیتالیسم از کشاورزی تجاری شروع و به بازار ختم شد، و به تدریج کوشید تا قید و بندهای نظام سرف را از بین برده و کارگران را آزاد سازد. کاپیتالیسم توسعه یافته یا صنعتی در نیمه قرن نوزدهم ابتدا در بریتانیا ظهور کرد و، سپس، به سرعت در ایالات متحده و اروپا گسترش یافت. این نوع کاپیتالیسم اساس کار خود را در تولید مکانیکی قرار داد و به تدریج مردم از بخش کشاورزی به بخش شهری و صنعت منتقل شدند.

رموز دوگانه موفقیت کاپیتالیسم انعطاف پذیری اش است که آن را قادر می‌سازد ناخالصی‌های غیر کاپیتالیستی را در خود جذب کرده و انواع فرهنگ را بپذیرد، و دیگر ظاهراً توانایی پایان نامه پذیرش برای توسعه تکنولوژی، که این امکان را می‌دهند تا ثروت را -هرچند به صورت نابرابر- در سطح جهان گسترش دهد.

در ارتباط با کاپیتالیسم، سه موضوع کلی پذیرفته شده است. نخست، دیدگاه سوسیالیست‌های افراطی که، با رد کامل کاپیتالیسم، آن را با سیستم استثماری وسیعی برابر می‌دانند. کارل مارکس بی تردید معروفترین واضع این دیدگاه است.

دومین دیدگاه که، به شیوه‌های مختلف، پارلمان‌های سوسیالیستی، لیبرال‌های مدرن و محافظه کاران را پذیرفته‌اند، مبتنی بر این ایده است که کاپیتالیسم یک خادم خوب و یک رئیس بد است این دیدگاه قبول دارد که کاپیتالیسم قابل اعتمادترین مکانیسم، شاید تنها مکانیسم قابل اعتماد، برای تولید ثروت است.

سومین موضع به دیدگاه‌های لیبرال‌های کلاسیک، راست جدید و، در شکل افراطی اش، کاپیتالیسم‌های دولت ستیز بر می‌گردد. آنها معتقدند که دارای یک مکانیسم خودکار است و، بنابراین، می‌باید تا حد امکان از دخالت دادن هر نوع عامل خارجی در آن اجتناب کرد. در واقع، این دیدگاه تئوریزه کردن اصل «بازار آزاد» است که به معنای عدم انجام هر کاری در برابر «مکانیسم بازار» است. اولین و معروف ترین واضع این نظریه آدم اسمیت است که اعتقاد دارد بازار را «یک دست نامرئی» تنظیم می‌کند و در بلندمدت به برابری گرایش دارد.

